

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: لطفا من راهنمایی کنید. من خودم و دوستانم وقتی به جایی رسیدیم که واقعا حس کردیم از درون تهی شدیم و اون همه مطالعه و کار تو تشکلا هیچی بهمون اضافه نکرده بود و خیلی حس پوچی و افسردگی داشتیم، به واسطه ی آشنایی با یه مربی که ما رو تخری کرد و بهمون عمق داد واقعا زندگیمون متحول شد. و با مباحث شما آشنامون کردن. الان ما هم میخوایم این روال صحبت چهره به چهره رو ادامه بدیم و با افراد صحبت کنیم. اما مشکلی که هست اینه که وقتی اولین بار با فرد ارتباط می گیریم و بهشون تلنگر می زنیم و میگیم مثلا اهل بیت (ع) این تصویری که الان داری نیست یا خدایی که الان داری مثل آب تصویریه، خیلی خوششون میاد و میگن خب الان چکار کنیم؟ بهشون میگیم باید کم کم بیای جلو و کلیشه هاتو بشکنی و مطالعه عمیق و مداوم رو شروع کنیم با هم. قبول هم میکنه و شماره هم میگیره، اما میره و دیگه پیداش نمیشه. مشکل کار از کجاست؟ آیا این روش کار تربیتی رو ادامه بدیم؟ اگر نه پس ما وظیفمون چیه؟ مباحث آقای علی صفایی خیلی عذاب دهنده است وقتی آدم حس کنه حرکت نداره. ممنون

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی با رفاقت و خوشرویی، افراد را متذکر امر متعالی‌شان شدید، دیگر به حال خود واگذاریدشان تا فکر کنند و با خودشان درگیر شوند تا در نهایت، انتخاب خود را انجام دهند. آیا حضور بعضی از هنرپیشه‌های سلبریتی در پیاده‌روی اربعین را جز به جهت آن می‌دانید که صاحب‌دل دلسوزی بالاخره در گذر و گذرگاهی نکته‌ای با آن‌ها در میان گذاشته است که امروز ماورای همه‌ی آن‌چه اطراف آن‌ها را گرفته است، به چنین انتخابی بس متعالی دست می‌زنند و بدان افتخار می‌نمایند؟ موفق باشید